

مادر من حضرت زهراست!

۱۳۰۸ در کرمانشاه متولد و در محضر پدرش آیت الله سید محمدرضا واحدی تربیت شد. پس از تحصیل حوزوی در تهران و قم، به نجف هجرت کرد و با سید مجتبی نواب صفوی آشنا شد و در تشکیل گروه «فداییان اسلام» همگامش بود. نطق های این مدیر توانا و مرد شماره دو فداییان اسلام در مدرسه فیضیه و دیگر اماکن قم، موج به پا می کرد.

اسفند ۲۹ بود که او در حضور انبوه مردم در مسجد شاه، با محکوم کردن دخالت های شوروی، انگلیس و آمریکا گفت: «مردم ایران دولتی می خواهند که احکام اسلام را اجرا کند.» سید جوان در پایان سخنرانی پرشور دوساعته خود، تهدید کرد که اگر رزم آرا تا سه روز دیگر از دولت کنار نرود، او را کنار خواهند زد! سه روز بعد، دوستش، خلیل طهماسبی کار رزم آرا را تمام کرد.

چند سال بعد وقتی دستگیرش کردند، به مجرد اینکه داخل دفتر رئیس شهربانی کل کشور می شود، تیمور بختیار فحش مادر به او می دهد. او هم می گوید مادر من زهراست، مادر فلان خودت هستی! می خواهد صندلی را به سمت بختیار پرت کند که بختیار اسلحه را می کشد و سه تا تیر به او می زند. روزنامه ها هم می نویسند: در حال فرار، کشته شد! یعنی می شود ما هم چون او باشیم؛ مثلاً از هیچ کس نترسیم؟

